

# آسیب‌شناسی مطالعه در دانش آموزان و شیوه‌های کنترل آن

دکتر محسن ایمانی

بخش هفتم

دبیرستان این امر به خوبی قابل اجراست. کندخوانی باعث می‌شود که حوصلهٔ فرزند در هنگام مطالعه سر برود و تمرکز او کاهش یابد. طولانی شدن زمان مطالعه به خستگی منجر می‌گردد و بعدها این حالت خستگی و عدم تمرکز باعث می‌شود که فرزند نسبت به مطالعه احساس دل‌سردی کند و همین امر موجب افت تحصیلی او شود. البته در این جا مقصود دانش‌آموزان کندآموز نیست، بلکه منظور دانش‌آموزانی است که قادر به خواندن سریع‌اند، اما آهسته و کند مطالعه می‌کنند.

به منظور پیش‌گیری از بروز چنین حالاتی باید فرزندان را به سوی تندخوانی سوق داد. یافته‌های علمی حکایت از آن دارد که انسان‌ها با کسب مهارت‌های کافی می‌توانند در هر دقیقه بین ۷۰۰ تا هزار کلمه را بخوانند و معنی آن کلمات را هم دریافت کنند. لذا با توجه به این که زمانهٔ ما عصر انفجار اطلاعات نام‌گرفته است و نیز با توجه به گسترش شبکهٔ اینترنت و دسترسی عدهٔ زیادی به آن، باید ترتیبی اتخاذ کرد که افراد بتوانند سریع‌تر از گذشته به اطلاعات مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند.

در بخش ششم سلسله مقالات آسیب‌شناسی مطالعه در دانش‌آموزان، عوامل آسیب‌زایی مانند قطع یکبارهٔ کمک‌های درسی در حین مطالعه، مطالعهٔ منفعل، بی‌موقع خواندن، پیوسته خواندن یک درس، صرف وقت زیاد برای بخشی از مطالب و کمبود وقت برای مطالب دیگر، داشتن احساس بلد بودن، خواندن و مرور کردن به جای تمرین کردن و ناامیدی از مطالعه به هنگام برخورد با هم‌کلاسی‌های موفق مورد بررسی قرار گرفت و شیوه‌های رویارویی با این عوامل آسیب‌زا ارائه گردید. اینک ادامهٔ بحث از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرد.

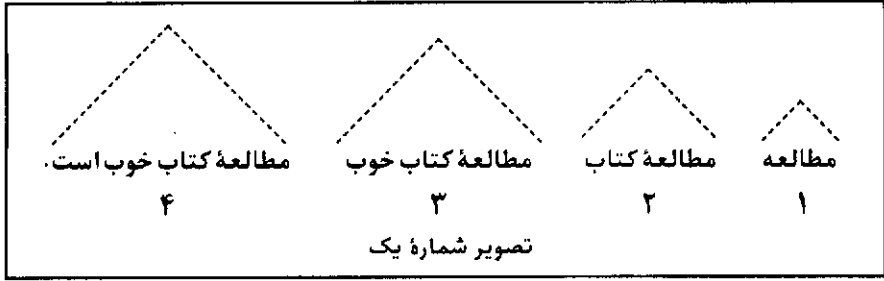
## ۲۵- کندخوانی

آفت دیگر مطالعه، کندخوانی است. طبیعی است که کودک در سال‌های اولیهٔ دبستان نمی‌تواند متون را با سرعت زیادی بخواند، ولی به تدریج بر سرعت خواندن او افزوده می‌شود. در دورهٔ نوجوانی می‌توان به آرامی نوجوان را به سوی خواندن سریع سوق داد و در دورهٔ

نویسنده در متن آورده، در مقدمه بیان شده است. نکتهٔ دیگر این که او خلاصه‌های هر فصل را که در پایان آن آمده است، مطالعه کند. دریافت کلی مطالب یک فصل موجب سرعت فرد در خواندن می‌شود. سپس با تورقی سریع باید عناوین مطالب، کلمات درشت متن و برخی از پاراگراف‌ها را بخواند که نباید وقت زیادی بگیرد و آن گاه شروع به مطالعهٔ متن کند. به طور قطع یکی از موانع تندخوانی، عدم آشنایی با برخی از لغات و اصطلاحات است که خوب است به فرزندان خود کمک کنیم تا با فرهنگ‌های لغات ادبی، علمی و تخصصی آشنا

برای این کار باید از روش‌های زیر بهره جست: نخست باید به فرزند خود کمک کنیم تا سرعت فعلی خود را در مطالعه مورد سنجش قرار دهد و در دو سه بار مطالعه، میانگین لغاتی را که در یک دقیقه مطالعه می‌کند، محاسبه کرده، پس از انجام تمرینات مربوط به سرعت در خواندن، میانگین جدید را با میانگین سابق مقایسه نماید. تفاوت موجود، میزان پیشرفت فرزند را در مطالعهٔ سریع نشان می‌دهد. برای تسریع در خواندن، ابتدا خوب است که دانش‌آموز مقدمهٔ کتاب را مطالعه کند، زیرا چهار چوبهٔ کتاب و خلاصه‌ای از آن چه





۱- با توجه به این که رابطه‌ای که قبل از مطالعه برقرار شده است رابطه خوبی نیست، این امر خلق فرزند را غمگین می‌کند. تحقیقات انجام شده در زمینه رابطه خلق غمگین و میزان یادگیری حکایت از آن دارند که وجود خلق غمگین، عامل کاهش یادگیری است و بالعکس. یعنی اگر فرزند را ترغیب کنیم تا به مطالعه بپردازد و با شادی و نشاط شروع به مطالعه کند، قطعاً یادگیری او مفیدتر و مؤثرتر خواهد بود. بدین ترتیب بر بازده مطالعه وی افزوده می‌شود و این امر موفقیت او را در تحصیل تضمین می‌کند.

۲- اجبار، موجب کاهش انگیزه فرد می‌شود و هر اندازه مطالعه با رغبت همراه باشد، فرد برای تداوم آن انگیزه بیش‌تری خواهد داشت. کارهای اجباری، حتی وقتی که انجام می‌شوند، از کیفیت مطلوبی برخوردار نیستند. اما از آن جا که فرد در انجام کارهای ارادی و اختیاری از انگیزه بیش‌تری برخوردار است، قطعاً بر میزان بازده آن نیز افزوده می‌گردد. پس به جای اجبار کردن فرزند به مطالعه باید او را توجیه نمود و اهمیت مطالعه را به وی تفهیم کرد تا بر اساس انگیزه خویش اقدام به مطالعه کند و نه بر اساس اجبار والدین.

۳- خیلی وقت‌ها فرزندی که به اجبار به سمت کتاب درسی رفته است، به جای مطالعه،

شوند و به هنگام مطالعه در صورت برخورد با اصطلاح جدید به فرهنگ مربوط مراجعه کنند. نکته دیگری که بر سرعت مطالعه اضافه می‌کند صامت خوانی است که قبلاً به آن اشاره شد. تمرین دیگر، تلاش برای جمله خوانی به جای کلمه خوانی است و حتی بعداً می‌توان به سمت "عمود خوانی" پیش رفت. یعنی از بالای صفحه با سرعت خواند و به پایین صفحه رسید. تمرین لازم برای انجام سریع خوانی، حرکت خیمه‌ای است. حرکت خیمه‌ای از بالای کلمات شروع می‌شود و با یک نگاه سریع به اول و آخر کلمه پایان می‌گیرد. در مرحله بعد می‌توان این حرکت را از یک کلمه به دو کلمه و سپس به سه کلمه و آن گاه به یک جمله تسری داد. (مانند تصویر شماره یک)

#### ۲۶- اجبار کردن به مطالعه در موقعیت نامناسب

برای دست یافتن به مطالعه موفق، قطعاً خواست و اراده فرزند مهم است. پس باید کاری کرد که مطالعه امری جاذب و رغبت‌انگیز باشد، نه این که فرزندان را در مواقع نامناسب، مجبور به مطالعه نماییم. بدنیست بدانیم وقتی که فرزندان خود را با تنبیه یا اجبار به سوی کتاب درسی می‌فرستیم، چه اتفاقی می‌افتد. آن چه رخ می‌دهد به قرار زیر است:

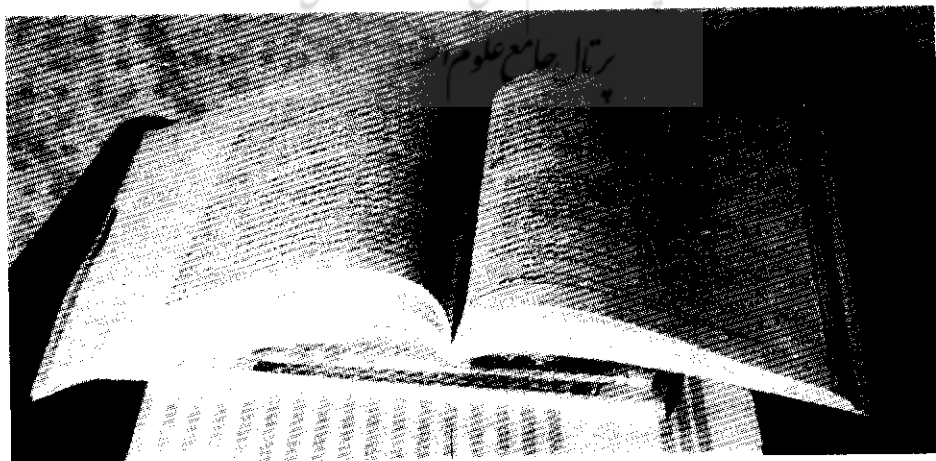
بخواهد که تمایلی به انجام دادن آن ندارید، آن را سریع انجام نخواهید داد، حتی اگر با او رودر بایستی نیز داشته باشید. این امر در مورد مطالعه فرزند شما هم صادق است. یعنی اگر فرزندان در اثر اجبار شما به مطالعه روی آورد، به دلیل بی‌علاقگی یا نامناسب بودن وقت، پیشرفت چندانی در مطالعه نخواهد داشت. لذا در این گونه مواقع اگر دقت کنید، می‌بینید که گاه فرزند شما یکی دو ساعت فقط به یک یا دو صفحه کتاب نگاه می‌کند. برخی از والدین در چنین مواقعی می‌پرسند: این صفحه دو ساعت است که جلوی روی شماست، هنوز آن را نخوانده‌اید؟ این گونه رفتارهای فرزندان بیانگر آن است که اجبار و الزام به مطالعه هرگز نمی‌تواند ثمره‌ای یکسان با مطالعه همراه با رغبت در پی داشته باشد.

۶- مقاومت و کاهش فعالیت‌های معمولی نیز پدیده‌ای است که در اثر اجبارها رخ می‌دهد. یعنی وقتی که فرزند را در اثر تنبیه یا اجبار به سوی مطالعه هدایت می‌کنیم، گاه او

ادای مطالعه کردن را در می‌آورد و در حالی که به کتاب نگاه می‌کند، با خود می‌گوید: عجب پدر و مادری دارم، چه رفتار تندی با من دارند، خوشا به حال فلانی که والدین او خوب و ملایم‌اند، ای کاش والدین من هم مانند والدین او بودند و... این خودگویی‌ها، مانع دست یافتن به تمرکز کافی برای مطالعه می‌گردد.

۴- مسئله دیگری که ناشی از این نوع اجبار کردن‌هاست، پدید آمدن احساس زدگی و تنفر نسبت به درس یا کتابی است که فرزند را به خواندن آن ملزم می‌کنیم. نتیجه این کار چیزی جز بروز تنفر نسبت به درس مورد نظر و تعمیم آن به سایر دروس و معلمین و در نهایت کل مدرسه نیست که سرانجام منجر به روگردانی از مدرسه می‌شود. حال آن‌که با تشویق و ترغیب فرزندان به مطالعه، از پدیدآیی این همه آفت پیشگیری می‌شود.

۵- بی‌میلی نسبت به مطالعه و کندکار کردن نیز پیامد دیگر تنبیه یا اجباری کردن مطالعه است. به طور قطع وقتی فردی از شما کاری را





۷. در موارد متعددی تنبیه و اجبار، نه تنها منجر به درس خواندن نمی‌شود، بلکه باعث تیرگی روابط بین شخصی<sup>۴</sup> والدین و فرزندان می‌گردد. بارها در مراکز مشاوره با پدران مواجه شده‌ام که فرزندان آن‌ها به میزان کافی مطالعه نمی‌کرده‌اند. آن‌ها نگران وضعیت تحصیلی فرزندان خود بودند، اما به جای استفاده از روش‌های تشویق و ترغیب، به تنبیه<sup>۵</sup> متوسل شده و در نهایت، ناامیدانه به مرکز مشاوره مراجعه کرده بودند و اظهار می‌داشتند که تنبیهات آن‌ها مؤثر نبوده است. پدری می‌گفت: فرزندم درس نمی‌خواند، من او را تنبیه می‌کنم تا به سراغ درس برود. از او پرسیدم: آیا تنبیهات شما باعث پیشرفت تحصیلی فرزندتان شده است؟ در جواب گفت: نه تنها چنین نشده و او پیشرفتی نکرده است، بلکه ضعیف‌تر هم شده و تنبیهات، روابط پدر و فرزندی ما را نیز تیره کرده است و او حتی حرف‌های دیگر مرا نیز مانند گذشته گوش نمی‌کند. پس حاصل تنبیه نیز چیزی جز تیرگی روابط والد و فرزند، دریده شدن پردهٔ احترام

مقاومت می‌کند و اصلاً به مطالعه روی نمی‌آورد، که این نشانهٔ بارزی مبنی بر شکست والدین در هدایت فرزند به سوی مطالعه است. وقتی که فرزند نتیجهٔ مقاومت خود را دست یافتن به پیروزی بداند، به دست آوردن پیروزی به منزلهٔ دست یافتن به یک تقویت‌کننده<sup>۲</sup> است که موجب تکرار این رفتار می‌شود و تکرار مقاومت فرزندان در برابر تحکم والدین به مطالعه کردن، به معنای ناکارآمدی روشی است که والدین در پیش گرفته‌اند. در حالی که با ایجاد رغبت به مطالعه در فرزندان، پیروزی نصیب والدین و فرزندان می‌گردد که حاصل آن پیشرفت تحصیلی فرزندان و احساس موفقیت والدین خواهد بود. لذا باید به تجربه دریافت که فرزند به چه نوع تقویت‌کننده‌ای علاقه‌مند است تا با در اختیار نهادن آن وی را به مطالعه کردن و تداوم بخشیدن به آن علاقه‌مند ساخت. مثلاً ممکن است یکی از فرزندان شما به گردش کردن و فرزند دیگرتان به خوراکی خاصی علاقه‌مند باشد و فرزند سوم شما به تقویت‌کننده‌های کلامی<sup>۳</sup> به خوبی پاسخ بدهد.

سر راه مطالعه فرزندان دیگر ایجاد می‌کند. علاوه بر این، رفتار تحکم‌آمیز و مبتنی بر تنبیه بر تمامی زندگانی فرزندان سایه می‌افکند و آن‌ها حتی در زندگی مشترک آینده خود تحت تأثیر همین روابط قرار می‌گیرند و شیوه‌های فرزندپروری آنان نیز متأثر از همین روش‌های ناموفق خواهد بود. صاحب نظران حتی خانواده تحصیل کرده آرام<sup>۷</sup> را که در آن تنبیه هم وجود ندارد و فقط بر درس خواندن تأکید می‌شود، مطلوب نمی‌دانند<sup>۸</sup> و می‌گویند فرزندان این خانواده‌ها عمدتاً در بعد علمی پیش‌رفت می‌نمایند و در ابعاد دیگر وجودی نظیر ابعاد اجتماعی، اخلاقی، معنوی، بدنی و سیاسی رشد نمی‌کنند. پس وقتی که چنین خانواده‌ای مطلوب نباشد، قطعاً در خانواده‌ای که اجبار و تنبیه بر آن حاکم است، وضعیت به مراتب بدتر خواهد بود. از این رو به منظور جلوگیری از این چالش‌ها و پیامدهای منفی باید برای رغبت‌انگیز کردن مطالعه تلاش کنیم.

- 1- SCHOOL REFUSAL
- 2- REINFORCER
- 3- VERBAL REINFORCERS
- 4- INTERPERSONAL RELATIONSHIPS
- 5- PUNISHMENT
- 6- PROFESSIONAL GUIDANCE
- 7- QUIET INTELLECTUAL FAMILY

۸- اصول بهداشت روانی، صفحه ۱۲

فی‌مابین آن‌ها و کاهش میل و علاقه فرزند به تحصیل نیست. ممکن است فرزندی استعداد کافی برای ادامه تحصیل نداشته باشد یا علاقه‌ای به فراگیری علم و دانش در وجود خود نیابد. در چنین مواقعی اگر تمهیدات خانواده مؤثر واقع نشد باید او را به نزد مشاور با تجربه ببرید تا او موانع یا احیاناً اختلالات موجود را بشناسد و برای درمان وی تلاش کند و در صورتی که پس از مشاوره باز هم علاقه‌ای به درس نشان نداد، او را به سوی حرفه‌ای هدایت نماید. اگر با چنین فرزندی برخورد درستی بشود و او به خوبی از راهنمایی حرفه‌ای برخوردار گردد، چه بسا که بتواند در اشتغال یافتن به حرفه‌ای موفق شود و فرد مفیدی برای جامعه گردد. اما اگر برخورد پدر با چنین فرزندی بر اساس تنبیه باشد، او ممکن است نه تنها درس نخواند و موفق نباشد، بلکه به سوی بازار کار نیز نرود و مفید بودن او در آینده نیز زیر سؤال برود. بدین ترتیب فرزند خانواده نه تحصیل کرده است و نه به سوی بازار کار می‌رود، یعنی سربار خانواده محسوب می‌شود. در چنین حالتی والدین و فرزند هر دو متضرر شده‌اند، حال آن که با ایجاد رغبت در فرزندان، در صورت برخورداری آن‌ها از استعداد کافی، با چنین مشکلاتی مواجه نمی‌شویم.

۸- مسئله دیگری که روابط مبتنی بر اجبار و تنبیه در امر مطالعه در پی می‌آورد ایجاد روابط تند و خشن در خانواده است و این امر آرامش خانواده را به خطر می‌اندازد. مثلاً پسری که از پدر خود کتک خورده است، ممکن است مبادرت به تنبیه خواهر، یا برادر کوچک‌تر خود کند و وجود فضای ناامن در خانه خود مانعی بر